

# مزامیر باب 142

سرود و دعای داوود وقتی در غار بود

دعا برای کمک

1 نزد خداوند فریاد می‌زنم

و با التماس از او کمک می‌طلبم.

2 شکایات خود را به پیشگاه او عرض می‌کنم

و مشکلاتم را برایش بیان می‌نمایم.

3 وقتی طاقت من تمام شود،

تو می‌دانی که چه باید بکنم.

دشمنان در سر راه من

دام گسترده‌اند.

4 وقتی به اطرافم نگاه می‌کنم،

کسی را نمی‌بینم که به کمکم بیاید

و کسی به من توجه نمی‌کند.

5 خداوند، برای کمک به درگاه تو رو می‌آورم،

زیرا تو یگانه پشتیبان

و همه چیز من در این زندگی هستی.

6 به فریاد من گوش بده،

زیرا که درمانده‌ام.

مرا از دست دشمنان نجات بده،

زیرا آنها از من بسیار قوی‌ترند.

7 مرا از این بُن‌بست و پریشانی آزاد کن تا تو را ستایش کنم.

آنگاه به خاطر نیکویی که به من کرده‌ای،

نیکوکاران مرا احاطه خواهند کرد.